



پژوهشنامه‌ی جامعه‌شناسی جوانان

سال اول، شماره‌ی اول، نیمه‌ی اول ۱۳۹۰

رابطه‌ی نوع دینداری با نگرش به ارزش‌های دموکراتیک در میان دانشجویان تهرانی

ابوالفضل ذوالفقاری*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۱

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی رابطه‌ی نوع دینداری (قرائت دینی) و برخی عوامل دیگر با نگرش به ارزش‌های دموکراتیک و با روش پیمایش انجام شده است. جمعیت نمونه‌ی پژوهش را تعداد ۷۰۷ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های دولتی تهران تشکیل داده است. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه در بهمن و اسفند ۸۶ گردآوری شده است. در این مطالعه برای نشان دادن رابطه‌ی نوع دینداری و نگرش نسبت به ارزش‌های دموکراتیک از نظریه‌ی هابرماس در خصوص تعامل دینداران و سکولارها در مواجهه با ارزش‌های جامعه‌ی مدرن استفاده شده است. به دلیل این که هابرماس برای انواع دینداری نوع‌شناسی خاصی ارائه نکرده و نیز لزوم استفاده از یک نوع‌شناسی منطبق با کشورهای اسلامی و ایران، برای نوع‌شناسی دینداری‌ها از نظریه‌ی ویلیام شپرد استفاده گردیده است.

یافته‌های پژوهش نشانه‌ی آن است که بین نوع دینداری دانشجویان و نگرش آنان نسبت به ارزش‌های دموکراتیک تفاوت معنی‌داری وجود دارد و رابطه‌ی نوع دینداری با نگرش نسبت به ارزش‌های دموکراتیک رابطه‌ی معکوس است؛ به عبارتی دیگر هرچه دینداری به سمت سنت‌گرایی سیر می‌کند نگرش نسبت به ارزش‌های دموکراتیک منفی‌تر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نوع دینداری، ارزش‌های دموکراتیک، نگرش، سکولاریسم، تجددگرایی، اسلام‌گرایی رادیکال، سنت‌گرایی جدید، سنت‌گرایی

* نویسنده مسئول - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد تهران

مقدمه

در جامعه‌ی ایران، مذهب با وجود فراز و نشیب‌هایی که در طول تاریخ داشته، همواره یکی از نهادهای پر نفوذ و مؤثر بر عرصه‌ی زندگی اجتماعی بوده است. به خصوص پس از پیروزی انقلاب، دین با کنترل نهاد سیاست توانسته است بر گستره‌ی وسیعی از زندگی اجتماعی سایه افکند؛ به طوری که در حال حاضر، هم حکومت ماهیت دینی دارد و هم براساس پژوهش‌های پیمایشی، اکثریت قابل توجهی از جامعه دارای گرایش‌ها و التزام دینی هستند. با این حال جامعه‌ی ایرانی در چند دهه‌ی اخیر با فرایندهای مربوط به مدرنیته یا تجدّد مواجه بوده است. تجدّد همه‌ی حوزه‌های سیاسی- اجتماعی، اقتصادی و دینی را تحت تأثیر قرار داده و ارزش‌های جدیدی را در جامعه رواج داده است. این ارزش‌ها که از آن به ارزش‌های مدرن تعبیر می‌شود موجب بروز اعتقادات و گرایش‌های فکری مختلف در جامعه شده است که در برخی زمینه‌ها با آموزه‌ها و تفسیرهای سنتی از دین در تعارض قرار می‌گیرد. به طوری که برخی از دینداران این ارزش‌ها را برنمی‌تابند و آن‌ها را نوعی غفلت از تعالیم اسلام و انفعال در برابر تجدّد غربی می‌دانند. بخشی از این ارزش‌ها، ارزش‌های دموکراتیک است که پایه و مبنای دموکراسی را تشکیل می‌دهد. البته باید به این نکته اشاره کرد که ارزش‌های دموکراتیک صرفاً محصول مدرنیته نیستند و از نظرتاریخی سابقه‌ای طولانی دارند.

تمرکز عمده‌ی این تحقیق به بررسی تأثیر نوع دینداری افراد مسلمان بر نگرش آنان به ارزش‌های دموکراتیک قرار گرفته است. این بررسی اهمیت دارد؛ چرا که نتیجه‌ی آن در فهم معادلات سیاسی جوامع اسلامی به شدت دخیل است. از سوی دیگر این بررسی دشوار است، چرا که هر دو گزاره‌ی «سازگاری اسلام و ارزش‌های دموکراتیک» و ناسازگاری آن دو، طرفداران قدرتمندی دارد و متفکران متنقدی در هر دو اردوگاه به چشم می‌خورند. مقایسه‌ی آرای این دو دیدگاه متعارض با پاسخ‌گویی به چند سؤال مقدماتی آسان‌تر می‌شود: آیا در این دو گزاره متعارض «اسلام» به یک معنا به کار رفته است؟ به زبان دیگر آیا مدافعان یا مخالفان امکان سازگاری اسلام با ارزش‌های دموکراتیک، تلقی واحدی از اسلام دارند یا هر یک قرائتی متفاوت از اسلام ارائه می‌کنند؟ از سوی دیگر آیا در این دو گزاره «ارزش‌های دموکراتیک» به یک معنا استعمال

شده است؟ به عبارت دیگر آیا برداشت واحدی از این ارزش ها با اسلام سازگار یا ناسازگار فرض شده است؟ به این ترتیب در مطالعه‌ی رابطه‌ی دین یا دینداری مسلمانان با ارزش های دموکراتیک و یا دموکراسی^۱ باید به رابطه‌ی نوع برداشت یا تفسیر و یا قرائت افراد از دین و نگرش آنان به ارزش های دموکراتیک پرداخته و به این نکته نیز اشاره شود که آن چه در صحنه‌ی منازعات و کشمکش های جاری در جامعه و نظام سیاسی ایران به چشم می آید همانا منازعه و کشمکش قرائت های گوناگون از مقولات دین و ارزش های دموکراتیک است که این تقابل در گروه بندی هایی هم چون اصلاح طلبان و دیده می شود.

چالش این دو نوع برداشت و یا قرائت دینی (اسلامی) در خصوص ناسازگاری دین و ارزش های دموکراتیک و یا سازگاری این دو مقوله - که در نظریه‌ی مردمسالاری دینی نمود پیدا کرده- جلوه‌ی دیگری از این منازعه است. اما این بحث ها همگی در میان روشنفکران و سیاست مداران جاری و ساری است و اگر این قرائت ها و گفتمان ها برای تعیین شیوه‌ی زندگی سیاسی مردم هست- که هست- قبل از هر چیز باید نوع پنداشت های افراد از دین و ارزش های دموکراتیک مشخص شود تا با نتایجی که به دست می آید قرائت و گفتمان موجود در میان بخشی از مردم تحصیل کرده یعنی دانشجویان از گفتمان های انتزاعی نخبگان تمیز داده شود .

چارچوب نظری

به طور کلی بحث پیرامون رابطه‌ی دین(اسلام) با ارزش های دموکراتیک و تلفیق یا تباین ارزش های اسلامی با ارزش های دموکراتیک یکی از مباحث بنیادینی است که ذهن اندیشمندان و روشنفکران دینی را به خود مشغول کرده است. در این خصوص رویکردهای متفاوتی در میان دانشمندان و پژوهندگان مسلمان یا غیر مسلمان وجود دارد که می توان آن ها را در دو دسته‌ی کلی تفکیک کرد. کسانی که به سازگاری دین(اسلام) با ارزش های دموکراتیک معتقدند و گروهی که به ناسازگاری بین این دو قائلند؛ به عنوان مثال می توان از ، ساموئل هانتینگتون(۱۳۸۱ : ۷۰) ، برنارد لوئیس(۱۳۸۲ : ۲۲-۲۳)، کانینگهام (۲۰۰۵ : ۶۵-۶۷) ، موریس باربیه (۱۳۸۳ : ۳۲۶-۳۳۶) نام برد. هم چنین در گروه مقابل می توان از صاحب نظرانی، هم چون الکسیس

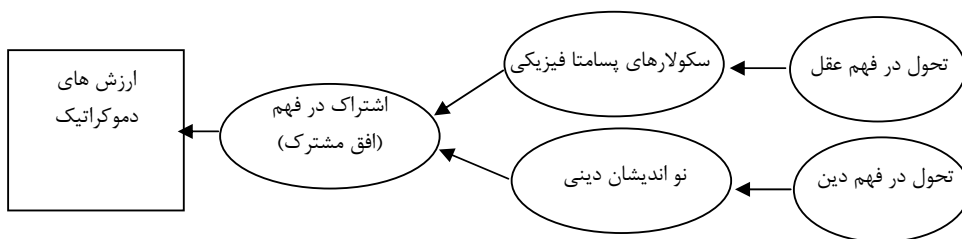
دوتوکویل (۱۳۴۷) ، اسپوزیتو و وال (۱۳۷۷ : ۲۱) ، آلفرد استفان (۱۳۸۰) نام برد. در این میان هم چنین می توان از بعضی از صاحب نظران داخلی، هم چون عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری به عنوان مهم ترین قائلان به رابطه ی سازگاری اسلام و ارزش های دموکراتیک ، اشاره کرد.

اما نکته ای که در باب تطبیق پذیری اسلام و ارزش های دموکراتیک باید مورد توجه قرار گیرد ، این است که اسلام به عنوان یک سنت دینی و با توجه به ابعاد گوناگون آن ، قرائت های متفاوتی را سبب شده است. به عبارت دیگر، پرسش مهم در این ارتباط این است که چه نوع فهم و یا قرائت و تفسیری از اسلام ، می تواند با ارزش های دموکراتیک سازگار باشد؟ و به این ترتیب در مطالعه ی رابطه ی دین یا دینداری مسلمانان با ارزش های دموکراتیک باید به رابطه ی نوع برداشت یا تفسیر و قرائت افراد از دین و نگرش آنان به ارزش های دموکراتیک پرداخت. به این منظور در این تحقیق از نظریه ی هابرماس در خصوص تعامل دینداران با ارزش های مدرن به عنوان چارچوب نظری بهره گرفته شده است.

به نظر هابرماس دینداران در دوران مدرن باید با تحول در فهم دین و دست کشیدن از ادعاهای مطلق - که البته این امر مستلزم تولرانس و مدارای مذهبی - سیاسی است- از منظر دینی افق فکری خود را با حقوق بشر و دموکراسی پیوند دهند. همان گونه که می دانیم هابرماس قائل به دموکراسی مشورتی است و منظور او از دموکراسی مشورتی (یا رایزنانه یا گفتگویی)، مفهوم خاصی از دموکراسی است که بسیار مشارکت خواه و مبتنی بر حوزه ی عمومی گسترده است (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۲۰). او دموکراسی را در عقلانیت ارتباطی و گفتگو جستجو می کند. گفتگو نیازمند اخلاق گفتگویی نیز هست. این اخلاق به نظر او مبتنی بر پذیرش استدلال برتر و قوی تر برای حل منازعات سیاسی است و دقیقاً شرایط برابری و آزادی را برای بیان سیاسی تأمین می کند و مشحون از عناصر و ارزش های دموکراتیک است. بنابراین اخلاق گفتگویی هابرماس شرایط دموکراتیک تقارن، آزادی و برابری را تأمین می کند. مفاهیمی که خود جوهری ترین ارزش های دموکراتیک به شمار می روند. (انصاری، همان: ۳۲۰-۳۲۱).

لذا در جمع بندی نهایی می توان نتیجه گیری کرد که در نظریات هابرماس بر ارزش های دموکراتیک هم چون: تساهل، حقوق بشر، مشارکت وسیع مردم در تصمیم گیری

ها و بالاخره آزادی و برابری تأکید می شود. از نظر هابرماس تعامل سکولارها با معرفت دینی نیز مستلزم تحول فکری آنان در فهم عقل است. به تعبیر دیگر هابرماس در خصوص رفع موانع هم سوئی میان دینداران و ارزش های مدرن پیشنهادهایی ارائه می دهد. وی دینداران و مذهبی ها را به نوعی «خودنگری هرمنوتیکی» درون سنت های مذهبی و هم چنین سکولارها را به بازنگری و «تدبیر در خود» دعوت می کند. نواندیشان دینی و سکولارهای پسامتافیزیکی^۲ ثمره‌ی چنین رویکردهایی هستند.



تحول فکری در فهم عقل از سوی سکولارها و فهم دین از سوی دینداران به عنوان مهم ترین عامل هرمنوتیکی هم سوئی و پیدایش افق فکری و ذهنی مشترک میان این دو گروه خواهد بود. به تعبیر دیگر تحول در فهم عقل در نزد سکولارها باعث پیدایش عقل مشورتی و در نتیجه گرایش آنان به ارزش های دموکراتیک از نوع مشورتی یا گفتگویی خواهد بود. به همین ترتیب فهم عقلانی دین در اندیشه‌ی دینداران نو اندیش نیز باعث نزدیکی و گرایش آنان به نظام ارزش های دموکراتیک خواهد شد. بنیادگرایان دینی در جهت عکس نواندیشی دینی و سکولارهای علم زده‌ی افراطی در جهت عکس سکولارهای پسامتافیزیکی، واکنشی طردگرایانه نسبت به ارزش های دموکراتیک خواهند داشت؛ زیرا تساهل و مدارای دینی و سیاسی نزد این دو گروه غایب است .

بدین ترتیب هابرماس اگرچه مستقیماً از سکولارهای علم زده‌ی افراطی، سکولارهای پسامتافیزیک، نواندیشان مذهبی و بنیادگرایان مذهبی نام می برد، در پی بیان نوعی سنخ شناسی از دینداری ها نیست و به طریق اولی برخی از وجوه پیچیده تر مسأله یعنی واکنش های اسلامی در برابر ارزش های دموکراتیک را که موضوع بررسی ماست بسط و توسعه نداده و ناگفته گذاشته است.^۳ لذا در این قسمت، از نظریه‌ی انواع دینداری ویلیام شپرد استفاده

شده است .

ویلیام شپرد نیز هم چون هابرماس یکی از مبانی انواع دینداری خود را دوری و نزدیکی دینداران مسلمان با ارزش های مدرن قرار داده است؛ به تعبیری دیگر، طبقه بندی وی بر اساس چگونگی نگرش دینداران مسلمان به تجدد (مدرنیته) و ارزش های آن در بین مسلمانان است. او انواع دینداری را در یک طیف پنج قسمتی شامل دینداری سکولار (رادیکال، معتدل)، متجدد، رادیکالیسم اسلامی، سنت گرایی جدید و سنت گرایی طردگرا نشان می دهد و معتقد است که هر چه به یک سر طیف نزدیک می شویم (یعنی دینداری سکولار) نقش دین در گرایش به ارزش های جامعه ی مدرن (غربی) بیشتر می شود و هر چه به آن سر طیف یعنی دینداری سنتی (سنت گرایی طردگرا) نزدیک تر می شویم طرد ارزش های غربی و میزان گرایش به آن ها کمتر می شود. اما دینداری متجددانه که در وسط این طیف قرار دارد نه در پی پذیرش بی چون و چرا و کامل و نه در پی طرد ارزش های مدرن بلکه در پی تلفیق و ترکیب اسلام با ارزش های غربی است .

فرضیات تحقیق

بین نوع دینداری و ارزش های دموکراتیک رابطه وجود دارد به نحوی که:

- ۱- هر چه دینداری دانشجویان بیشتر به سمت دینداری سکولار (معتدل) سیر کند، نگرش مثبت (گرایش) آنان به ارزش های دموکراتیک در تمام سطوح بیشتر می شود.
- ۲- هر چه نوع دینداری دانشجویان به سمت تجددگرایی اسلامی سیر کند، نگرش مثبت (گرایش) افراد به ارزش های دموکراتیک بیشتر می شود .
- ۳- هر چه نوع دینداری دانشجویان به سمت اسلام گرایی رادیکال سیر کند، میزان گرایش آنان به ارزش های دموکراتیک کمتر می شود .
- ۴- نگرش مثبت دینداران متجدد به ارزش های دموکراتیک از دینداران سکولار معتدل کمتر ولی از سایر دینداران بالاتر است .
- ۵- نگرش مثبت دینداران رادیکال اسلامی به ارزش های دموکراتیک در تمامی سطوح از سنت گرایان بیشتر و از دینداران سکولار و تجددگرا کمتر است .
- ۶- هر چه دینداری دانشجویان سنت گرایانه تر باشد، میزان گرایش به ارزش های دموکراتیک در تمامی سطوح کمتر می شود .

روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایشی و از نوع تبیینی به انجام رسیده است. هم چنین با توجه به حجم نمونه‌ی آماری، از ابزار پرسش نامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در این تحقیق دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه های دولتی شهر تهران در مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری است که تعداد آنها برابر با ۱۳۲۱۴۴ نفر بوده است. در این تحقیق با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با استفاده از فرمول کوکران با احتساب بزرگ ترین نمونه‌ی لازم و خطای نمونه گیری ۰/۰۴ یک نمونه‌ی ۷۰۷ نفری انتخاب و متناسب با جنس و گروه و مقطع تحصیلی در دانشگاه های دولتی تهران توزیع شد. در این تحقیق برای دستیابی به اعتبار ابزار سنجش از اعتبار صوری استفاده شد و پرسش نامه از سوی تعدادی از صاحب نظران مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و محاسبه‌ی ضریب روایی (آلفای کرونباخ) برای هر یک از شاخص ها نشان داد که ابزار سنجش از پایایی بالایی برخوردار است. ضریب پایایی برای شاخص ارزش های دموکراتیک ۰/۸۸ و برای شاخص نوع دینداری ۰/۷۵ بوده است .

متغیر وابسته : نگرش به ارزش های دموکراتیک

نگرش به ارزش های دموکراتیک، منعکس کننده‌ی ترجیحات هنجاری افراد در مورد اقدامات و نتایج سیاسی است (روراشنایدر، ۲۰۰۶: ۱). هیچ گونه حصری درباره‌ی تعداد ارزش های دموکراتیک نمی توان ارائه داد؛ اما در عین حال مهم ترین ارزش هایی که تحت عنوان ارزش های دموکراتیک از آن ها یاد می شود عبارت است از پنج ارزش اساسی که عبارتند از: آزادی، برابری، حاکمیت مردم، مدارای سیاسی و عقیدتی، تأکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسان ها یا همان حقوق بشر (بشیریه، ۱۳۸۵؛ بیتام، ۱۳۸۳ و هابرماس، ۱۳۸۵). البته بایستی به این نکته توجه شود که حقوق بشر در کنار ارزش های دموکراتیک هم پوشی نسبتاً زیادی با یک دیگر دارند. به عنوان مثال حقوق مدنی و سیاسی انسان ها از جمله آزادی های سیاسی، برابری شرایط، اراده‌ی مردم در حاکمیت و... وجوه همپوش ارزش های دموکراتیک و حقوق بشر هستند (مصطفی پور، ۱۳۸۵: ۳۱۰، به نقل از بیانیه‌ی جهانی حقوق بشر). متفکرین متأخر مانند دیوید هلد و هابرماس و مکفرسون و... ، اصل خودمختاری را نیز به عنوان یکی از اصول و ارزش های

اساسی دموکراتیک بر می شمردند که می توان آن را به عنوان اصلی مستقل محسوب نکرد و خودمختاری را همان توسعه ی آزادی فردی و آزادی به مفهوم مثبت آن در نظر گرفت. بعضی از اندیشمندان نیز بر تساهل یا مدارای حکومت و افراد در مقابل دگر اندیشان به عنوان کانونی ترین ارزش دموکراتیک تأکید می کنند. (محمد شبستری، ۱۳۸۰؛ کانتی نیسیم، ۲۰۰۴ و بشیریه، ۱۳۷۴).

نگرش آمادگی ذهنی و عصبی فرد است که بعضاً بر اثر تجربه به دست می آید و بر واکنش های افراد در برابر تمامی اشیا و شرایط و اوضاعی که به آن مرتبط می شوند، تأثیری هدایت بخش و پویا دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۷).

فریدمن و همکارانش هم نگرش را نظامی با دوام دانسته اند که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک عنصر تمایل به عمل است (فریدمن^۱، ۱۹۷۰).

بر اساس این تعاریف، نگرش آمیزه ای از سه عنصر اساسی عاطفی یا ارزیابی (احساس عواطف درباره ی شخص، اندیشه، واقعه و ...) شناختی (عقاید، آگاهی ها یا اطلاعاتی که از سوی افراد کسب می شود) و رفتاری (تعهد و آمادگی برای اقدام) است. نگرش ها نسبتاً ثابت و با دوام هستند و طبق تحقیقات ثبات نگرش های افراد در پایان دوران تحصیل دانشگاهی یا ورود به بازار کار تکمیل و نهایی می شود و مبنای سایر انتخاب های او قرار می گیرند (کریمی، ۱۳۷۷: ۳۳۲).

آن چه در این پژوهش هم مورد سنجش قرار گرفته نگرش افراد بر اساس سه عنصر یا سه بعد پیش گفته است: در بعد عاطفی، ارزیابی مثبت یا منفی دانشجویان نسبت به ارزش های دموکراتیک در بعد شناختی، عقاید، آگاهی ها و اطلاعات دانشجویان درباره ی ارزش های دموکراتیک و بالاخره در بعد رفتاری، تعهد و آمادگی افراد برای انجام رفتارهای دموکراتیک مورد سنجش قرار گرفته است.

متغیر مستقل: نوع دینداری

دینداری را نیز می توان در دو سطح و دو لایه تقسیم بندی و آن را مطالعه کرد. به لحاظ سطح (طول) دینداری دارای دو هسته ی مرکزی و پیرامونی است. دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین در سطح مرکزی دینداری (میزان دینداری)، و گونه های

دیگری از دینداری که در مواردی در سطح نگرش ها و طرز تلقی ها راجع به دین جای می گیرند (انواع دینداری)، لایه های پیرامونی دینداری را شکل می دهند. از سوی دیگر می توان لایه های پیرامونی را ضرورت های تاریخی ادیان نیز محسوب کرد که با توجه به این امر، ابعاد جدیدی در دینداری، حداقل از حیث مواجهه با پرسش های معرفت شناسانه‌ی رقیبان دین و ضرورت های تاریخی و توجه به عنصر زمان و مکان اهمیت پیدا کرده اند و شرایط متنوعی را نسبت به این حالت جدید مطرح ساخته اند (میرسندهی، ۱۳۸۳: ۱۲۵-۱۲۶). بنابراین همه‌ی افراد یک برداشت واحد از دین ندارند بلکه برداشت های متفاوت دارند و در نتیجه‌ی این برداشت ها و نگرش ها و طرز تلقی ها نسبت به دین، انواعی از دینداری خواهیم داشت .

مبحث انواع دینداری و به تعبیر دیگر طرز تلقی ها نسبت به دین یا قرائت های دینی، از زوایای گوناگون و از دیدگاه صاحب نظران مختلف داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته و برای آن تقسیم بندی هایی ارائه شده است. لازم به ذکر است که این تقسیم بندی ها دارای نقاط مشترک و هم پوشی های متعدد می باشند. در هر صورت از مجموع آن مباحث برای این پژوهش نوع شناسی ویلیام شپرد که بر اساس خصوصیات جوامع اسلامی طراحی شده است، مبنای پژوهش قرار گرفته است. شپرد در نوع شناسی خود انواع دینداری ها را در جوامع اسلامی به شرح زیر طبقه بندی کرده است:

-دینداری سکولار (افراطی و معتدل)

-دینداری تجددگرایانه (انعطاف پذیر، افراطی و توجیه گرا)

-دینداری اسلام گرایی رادیکال (با جهت گیری بنیادگرایانه)

-دینداری سنت گرایانه‌ی (با جهت گیری بنیادگرایانه) که خود به دو نوع طردگرا و همسازگرا قابل تقسیم است .

*دینداری سنت گرایانه جدید (با جهت گیری بنیادگرایانه) که این نوع دینداری نیز به دو نوع طردگرا و همسازگرا قابل تقسیم است (شپرد، ۱۹۸۶ و ۲۰۰۴)

منظور از اصطلاح سکولاریسم در این جا عبارت است از هر بینشی که به صورت باز از هر نوع ایدئولوژی جدای اسلام، در اکثر عرصه های حیات عمومی استفاده می کند. البته افراطی ترین شکل سکولاریسم عبارت است از آن دسته از اندیشه ها که در صد

آن است تا در سراسر عرصه های عمومی و خصوصی جایگزین اسلام شود. به هرحال چنین سکولاریسم افراطی در کشورهای مسلمان غیر متعارف است. شکل رایج تر آن سکولاریسم معتدلی است که در پی تفکیک مذهب از سایر شؤون زندگی عمومی است. تأکید بر این مطلب بسیار مهم است که سکولاریسم معتدل ضرورتاً غیرمذهبی نیست بلکه یک سکولاریست می تواند همه مراسم عبادی اسلامی را اقامه کند و در زندگی شخصی خود از یک مجموعه اخلاق اسلامی پیروی کند. سکولاریست ها ممکن است هم چنین مذهب را به عنوان یک حامی ضروری و آرمانی برای اخلاق شخصی و نیز عمومی و عنصری ضروری برای رویش احساسات منفک از عقل تلقی کنند (شپرد، ۱۹۸۷: ۳۰۹-۳۱۱).

تجدد گرایان اسلامی بر این اعتقاد اصرار دارند که اصول اجتماعی اسلامی ظرفیت توسعه و توانایی هم عرض با زمان را دارا هستند (همان: ۳۱۱-۳۱۲) ولی این توسعه و توانایی (تطبیق) اصول اسلامی با مدرنیته امروزی، با اصالت دادن به مدرنیته خواهد بود.

اسلام گرایان رادیکال بیش از دیگران بر فوریت عملی ساختن شریعت تأکید می ورزند. اسلام نه تنها (آرمانی) است که باید شناخته شود و به آن بازگشت داده شود بلکه (قانونی) است که باید مورد عمل و تبعیت قرار گیرد. برخلاف تأکید صریح بر اصالت اسلامی، اسلام گرایی رادیکال هنوز بسیار مدرن هست و بسیاری از فرآورده های غربی را اقتباس می کند.

به هرحال رسالت آگاهانه اسلام گرایی رادیکال این است که جایی که «اقتباس» مطرح است باید سیستم سمبلیک اسلامی آن را کنترل کند. خصوصاً به لحاظ سمبل های ایدئولوژیکی، مسأله ی مهم این است که «اقتباس ها» ریشه و روش اسلامی داشته باشد (همان: ۳۱۴-۳۱۷) به تعبیر دیگر می توان گفت که اسلام گرایی رادیکال در مواجهه با ارزش های مدرن، می خواهد آن ها را اسلامی کند.

سنت گرایان کسانی هستند که احساس می کنند راه های مقبول گذشته برای تغییر کافی است و موقعی که سنت گرایی درصدد درگیر شدن عمیق با مسائل غربی می شود تبدیل به «سنت گرایی جدید» می شود. سنت گرایی جدید می تواند به دو شکل افراطی «طردگرا و همسازگرا» لحاظ گردد. این نحله هم چنین کمتر در پی آن است که ایده ها و ارزش های غربی را درونی سازد. کمتر به تحقق فوری و عملی ایده

آل های اسلامی اصرار می ورزد و در پی آن است تا عمق و پیچیدگی اسلامی گذشته را آن چنان که در تعلیمات علما و حکمت صوفیه مندرج است بیشتر از انواع مدرن تر آن ها معتبر بشمارد (شپرد، ۱۹۸۷ : ۳۱۷-۳۲۰) سنت گرایان به طور کلی با مدرنیته و ظواهر آن مخالفت می کنند اما برخورد سنت گرایان به صورت ناآگاهانه و مخالفت شدید است در حالی که برخورد سنت گرایان جدید با مظاهر تمدن غرب مبتنی بر برخورد نقادانه و آگاهانه است. در مجموع و به طور خلاصه شاخص شپرد در مورد دینداری ها را می توان بر اساس تعدادی معرف از هم تفکیک و آن ها را با یکدیگر مقایسه کرد. لازم به ذکر است که انواع فرعی نوع شناسی شپرد حذف شده و در دینداری سکولار نیز فقط ویژگی های سکولاریسم معتدل مدنظر قرار گرفته است. برای عملیاتی کردن مفهوم دینداری برای هر کدام از مؤلفه های دینداری (ایده‌ی پیشرفت، گرایش این جهانی/ آن جهانی، نوع تلقی از دین، تأکید بر عمل/ تفکر، شیوه‌ی بازسازی اسلام در عصر حاضر، علت مشکلات اسلام، نحوه‌ی تلقی از سنت اسلامی و غیره) یک سؤال پنج گویه ای (جمعاً ۱۴ سؤال پنج گویه ای) که هر گویه معرف نوع خاصی از دینداری های پنج گانه بود، طرح و پس از تأیید آن ها توسط شپرد به پاسخ گویان ارائه و از آنان خواسته شد که در هر سؤال فقط یکی از گویه ها را که با نظرهای آنان بیش تر تطبیق می کرد، انتخاب کنند. در واقع در هر سؤال، گویه هایی با ترتیب سکولار (نمره‌ی یک)، تجددگرا (نمره‌ی دو)، اسلام گرایی رادیکال (نمره‌ی سه)، سنت گرایی جدید (نمره‌ی چهار) و سنت گرایی (قدیم) (نمره‌ی پنج) در نظر گرفته شد، به نحوی که فرد نمونه فقط یک مورد از این طیف پنج گویه‌ای را می‌توانست انتخاب کند. بر این اساس هر یک از سؤالات در قالب یک طیف ۱ تا ۵ نمره‌ای هستند که در سطح ترتیبی قرار دارند. حال چنان چه شاخص انواع دینداری با ۱۴ سؤال ۵ گویه ای سنجیده شود دامنه‌ی نمرات بین ۱۴ تا ۷۰ می‌باشد که تبدیل به سطح سنجش فاصله‌ای می‌شود. از سویی مقداری آلفای این شاخص برابر با ۰/۷۵ است

یافته های پژوهش

در این قسمت به نتایج به دست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی اشاره می‌شود. ابتدا به توصیف خصوصیات نمونه‌ی مورد مطالعه می‌پردازیم و سپس به تحلیل داده ها و آزمون فرضیات خواهیم پرداخت. یافته ها نشان می‌دهد که از کل

پاسخ گویان ۴۷/۴ درصد پسر و ۵۶/۲ درصد دختر هستند. میانگین سنی دانشجویان ۲۲/۴ سال بوده است. ۹۱/۱ درصد از آنان مجرد و ۸/۲ درصد متأهل بوده اند. ۲۹ درصد از حجم نمونه در گروه علوم انسانی، ۲۵/۹ درصد در گروه فنی و مهندسی، ۱۲/۳ درصد در علوم پایه، ۱۵/۷ درصد در گروه علوم پزشکی، ۶/۵ درصد در گروه کشاورزی و دامپزشکی و ۹/۳ درصد در گروه هنر بوده است. هم چنین از کل پاسخ گویان ۵۹/۱ درصد در مقطع کارشناسی، ۲۳/۲ درصد در مقطع کارشناسی ارشد، ۱۴/۹ درصد در دکتری حرفه ای و ۲/۴ درصد نیز در مقطع دکتری تخصصی مشغول به تحصیل بوده اند .

نوع دینداری (قرائت دینی)

نوع دینداری یا قرائت از دین، اصلی ترین متغیر مستقل و محوری این تحقیق است. دینداران اگرچه اصول دین را قبول دارند، در زمینه ی فروع دین و رابطه ی دین و دنیا و واکنش به مدرنیته و مظاهر آن (عقل و علوم جدید و...) برداشت های متفاوتی دارند و بر اساس همین برداشت ها نیز نسبت به امور و مسائل عصر جدید اظهار نظر و موضع گیری و عمل می کنند. لذا در نگرش افراد دیندار (مسلمان) نسبت به ارزش های دموکراتیک (چه در ارزیابی آنان، چه شناخت آن ها و چه بعد رفتاری و آمادگی برای عمل به این ارزش ها) یکی از عوامل مهم همین برداشت متفاوت است که تحت عنوان انواع دینداری مطرح شده است. همان گونه که گفته شد تقسیم بندی های متفاوتی از انواع دینداری صورت گرفته که ملاک اصلی تقسیم بندی در این تحقیق نظریه ی و بلیام شپرد بوده است. بر اساس نظریات وی در بین دینداران مسلمانان، می توان پنج نوع کلی دینداری سکولار، تجددگرا، اسلام گرایی رادیکال (رادیکالیسم اسلامی)، سنت گرایی جدید و سنت گرایی ناب یا خالص را در نظر گرفت .

انواع دینداری با ۱۴ سؤال ۵ گویه ای که هر گویه مبین یک نوع دینداری است، مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه ی آن در جدول شماره ی دو ارائه می گردد :

جدول شماره ی دو - توزیع فراوانی دانشجویان بر حسب انواع دینداری (قرائت دینی)

نوع دینداری	تعداد	درصد
سکولار	۱۱۳	۶.۱۶
تجددگرا	۲۳۶	۸.۳۴
اسلام گرایان رادیکال	۱۹۱	۱.۲۸
سنت گرایی جدید	۹۷	۳.۱۴

۲۶	۴۲	سنت گرایی (خالص)
--	۲۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۷۰۷	جمع

مطابق اطلاعات جدول فوق ملاحظه می شود که بیشترین تعداد دانشجویان یعنی به میزان ۳۴/۸ درصد تجددگرا هستند. در مرتبه بعدی اسلام گرایان رادیکال به میزان ۲۸ درصد قرار دارند. در مرتبه‌ی بعدی سکولارها و سنت گرایان جدید به میزان های ۱۶/۶ و ۱۴/۳ درصد قرار دارند. و بالاخره سنت گرایان (ناب یا خالص) با میزان ۶/۲ درصد در آخرین رده قرار دارند.

نگرش به ارزش های دموکراتیک

نگرش به ارزش های دموکراتیک شامل سه بعد عاطفی (ارزشیابی)، شناختی و رفتاری (تمایل به عمل) هست. در این بررسی بعد عاطفی با ۵ مؤلفه‌ی حقوق دموکراتیک عمومی، رقابت حزبی، مدارای سیاسی، حاکمیت اراده‌ی مردم و برابری سیاسی- اجتماعی مورد ارزشیابی پاسخ گویان قرار گرفته است. حقوق دموکراتیک عمومی دربرگیرنده‌ی انواع آزادی ها از قبیل آزادی بیان، آزادی تظاهرات، آزادی مخالفت با حکومت است .

هم چنین بعد شناختی با دو مؤلفه‌ی شناخت ارزش های دموکراتیک و شناخت کشورها و نهادهای دموکراتیک مورد سنجش قرار گرفته است و بالاخره این که در بعد رفتاری مؤلفه هایی چون مشارکت در فرایندهای دموکراتیک، حمایت از ارزش های دموکراتیک و عضویت در نهادهای دموکراتیک مورد سنجش قرار گرفته است .

میزان نگرش پاسخ گویان به ارزش های دموکراتیک

جدول شماره‌ی سه - توزیع درصد میزان نگرش پاسخ گویان به ارزش های

دموکراتیک

میزان ابعاد نگرش به ارزش های دموکراتیک	پایین	متوسط	بالا	جمع
بعد عاطفی (ارزیابی مثبت یا منفی ارزش های دموکراتیک)	۲/۱	۴/۴۹	۴/۴۹	۱۰۰
بعد شناختی (شناخت ارزش های دموکراتیک)	۵۶	۳۴	۸	۱۰۰
بعد رفتاری (آمادگی برای عمل به ارزش های دموکراتیک)	۳/۱۲	۱/۶۱	۴/۲۶	۱۰۰

۱۰۰	۹/۴۰	۸/۵۷	۳/۱	نگرش به ارزش های دموکراتیک
-----	------	------	-----	----------------------------

یافته ها در جدول شماره ی سه حاکی از آن است که پاسخ گویان به میزان های مساوی ۴۹/۴ درصد نگرش بالا و متوسط به ارزش های دموکراتیک از خود نشان داده اند. ۱/۲ درصد هم نگرش پایینی نسبت به این ارزش ها داشته اند. هم چنین بررسی نگرش دانشجویان نسبت به ارزش های دموکراتیک در بعد شناختی نشان می دهد که ۵۶ درصد از آن ها شناخت پایینی از این ارزش ها داشته اند. ۳۴ درصد در حد متوسط و ۸ درصد نیز شناختشان نسبت به این ارزش ها بالا بوده است. و بالاخره در بعد رفتاری یا آمادگی برای عمل به ارزش های دموکراتیک، نتایج حاکی است که ۱/۱ درصد از پاسخ گویان در حد متوسط و ۲۶/۴ درصد از آن ها در حد بالا برای عمل به این ارزش ها آمادگی دارند. ۱۲/۳ درصد نیز آمادگی پایینی برای اهمیت دادن به این ارزش ها و عمل کردن به آن از خود نشان داده اند. در مجموع و با جمع نمرات پاسخ گویان در سه بخش فوق، ملاحظه می شود که ۵۷/۸ درصد از پاسخ گویان نگرش متوسطی به ارزش های دموکراتیک از خود نشان داده اند. ۴۰/۹ درصد آن ها نیز از این نظر در حد بالایی قرار دارند و فقط ۱/۳ درصد از پاسخ گویان نگرش پایینی به این ارزش ها دارند. همان گونه که ملاحظه می شود بین ابعاد نگرش تناظر وجود ندارد. اکثر پژوهشگران بر این اعتقادند که اغلب، ارتباطی ساده و مستقیم میان نگرش و رفتار وجود ندارد (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۹ و دواس، ۱۳۷۶: ۹۶). و چه بسا افراد بنا به شرایط و موقعیت، رفتاری خلاف نگرش خود انجام دهند و یا چه بسا کسی موضعی افراطی داشته باشد اما شور و هیجان زیادی نسبت به آن نداشته باشد. بنابراین می توان گفت که عدم تناظر میان ابعاد نگرش را نباید غیر منتظره تلقی کرد.

رابطه ی نوع دینداری (قرائت از دین) با نگرش به ارزش های دموکراتیک

جدول شماره ی پنج تحلیل واریانس یک طرفه میزان نگرش پاسخ گویان به ارزش های دموکراتیک را بر اساس نوع دینداری آنان نشان می دهد. نتایج حاصل از جدول نشان دهنده ی این است که با توجه به مقادیر $F=21/2$ و $sig=0/000$ تفاوت معنی داری (در سطح ۹۹ درصد) میان نگرش دانشجویان به ارزش های دموکراتیک بر اساس نوع دینداری آن ها وجود دارد و مهم ترین فرضیه ی این تحقیق مورد تایید قرار می گیرد و

همان گونه که مشاهده می شود میانگین نمرات سکولارها بیشتر از تجددگراها و میانگین تجددگراها بیشتر از اسلام گرایان رادیکال و میانگین اسلام گرایان رادیکال بیشتر از سنت گرایان جدید و میانگین نمرات این یکی نیز بیشتر از سنت گرایان می باشد. بدین ترتیب می توان گفت که نگرش به ارزش های دموکراتیک در میان سکولارها بیشتر از تجددگرایان و در میان تجددگرایان بیشتر از اسلام گرایان رادیکال است. به همین ترتیب نگرش به ارزش های دموکراتیک در میان اسلام گرایان رادیکال بیشتر از سنت گرایان جدید و این یکی نیز بیشتر از سنت گرایان (خالص و ناب) است. به تعبیر دیگر هر چه نوع دینداری از سکولار به سنت گرایی سیر می کند میزان گرایش به ارزش های دموکراتیک کمتر می شود. هم چنین استفاده از آزمون شفه نیز نشان دهنده صحت فرضیه های فرعی است که متعلق به رابطه نوع دینداری و نگرش به ارزش های دموکراتیک است. در فرضیه ی فرعی اول مطرح شده بود که هر چه نوع دینداری افراد به سمت سکولار (معتدل) سیر کند، میزان نگرش آن ها به ارزش های دموکراتیک بیشتر می شود. چنانکه ردیف نخست جدول نتایج آزمون شفه نشان می دهد میانگین نگرش سکولارها به ارزش های دموکراتیک نسبت به انواع دیگر دینداری ها بیشتر است. میزان نگرش به ارزش های دموکراتیک در میان تجددگراها نیز از دینداران سنت گرای جدید و سنت گرا بیشتر است. در مجموع میانگین نگرش به ارزش های دموکراتیک در میان سکولارها و تجددگرایان بیشتر از سایر دینداران است .

جدول شماره ی چهار - نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه پیرامون نگرش به ارزش

های دموکراتیک بر حسب نوع دینداری

نوع دینداری	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون
سکولار	۷۹	۱۴۸.۶	۱۶.۵	F = 21/2 s = 0/000
تجددگرایی	۳۶۷	۱۳۸.۱	۱۵.۴	
اسلام گرایی رادیکال	۱۵۵	۱۳۳.۹	۱۵.۳	
سنت گرایی جدید	۸۰	۱۳۱.۱	۱۲.۵	
سنت گرایی	۲۶	۱۲۳.۷	۱۷.۲	

جدول شماره ی پنج - نتایج آزمون شفه پیرامون نگرش به ارزش های دموکراتیک بر

حسب نوع دینداری

آزمون	سکولار	تجددگرا	رادیکال	سنت گرایی جدید	سنت گرا
posthoc	-	S=0/000	-	S=0/000	S=0/000
سکولار	-	S=0/000	-	S=0/000	S=0/000
تجددگرا	S=0/000	-	--	S=0/008	MDS=0/000 0
اسلام گرایی رادیکال	S=0/000	-	-	-	S=0/000
سنت گرایی جدید	S=0/000	S=0/000	-	-	-
سنت گرایی	S=0/000	S=0/000	S=0/000	-	-

بحث و نتیجه گیری

تاکنون اکثر تحقیقاتی که در حوزه ی دین و دموکراسی انجام گرفته به سنجش رابطه میزان دینداری افراد با دموکراسی و یا ارزش های دموکراتیک پرداخته اند و نه نوع دینداری آنان. آن چه در تمامی این تحقیقات مشاهده می شود، وجود روابط متناقض (مثبت یا منفی) میان این دو متغیر بوده است. این نتایج متضاد و متناقض محققین را ناگزیر به سمت متغیرهای دیگری در خصوص دینداری رهنمون می سازد تا تأثیر آن ها را نیز با ارزش های دموکراتیک یا دموکراسی مورد سنجش قرار دهند. متغیر مورد نظر در این تحقیق نوع دینداری یا قرائت دینی بوده است نتایج نشان داد؛ که پاسخ گویانی که نوع دینداری شان به سمت سکولاریسم و تجدد گرایی سیر می کند، اهمیت بیشتری برای ارزش های دموکراتیک قائلند و در مقابل با نزدیک شدن نوع دینداری به سنت گرایی شاهد توجه کمتری به ارزش های دموکراتیک می باشیم .

اگرچه در تحقیقات قبلی قطب بندی دینداری ها نوعاً حول قطب های سکولار- غیرسکولار بود، لیکن در این پژوهش قطب بندی سکولار، تجددگرا از یک طرف و دینداری های بنیادگرایانه در طرف دیگر مشاهده می شود. به هر تقدیر در تطبیق ویژگی های دینداران با آنچه شپرد به عنوان مشخصه های انواع دینداری معرفی می کند هم خوانی زیادی وجود دارد .

در رابطه ی نوع دینداری (قرائت دینی) دانشجویان با نگرش آنان نسبت به ارزش های دموکراتیک، تا حدود زیادی این قطبیت میان سکولارها (معتدل) و تجددگرایان با انواع دیگر دینداری که معمولاً بنیادگرا نامیده می شوند مشاهده می شود. به این معنا

که سکولارها با همه‌ی انواع دینداران و تجددگرایان نیز با سنت گرایان (جدید و قدیم) یا همان دینداری های بنیادگرا بر حسب نگرش به ارزش های دموکراتیک تفاوت معنی داری دارند .

در بحث رابطه‌ی نوع دینداری با ابعاد سه گانه‌ی نگرش به ارزش های دموکراتیک هم این قطبی بودن قابل ملاحظه است و در بعد عاطفی یا ارزیابی نگرش به ارزش های دموکراتیک که نشان دهنده‌ی ارزیابی مثبت و منفی پاسخ گویان از این ارزش هاست، قطب بندی به شکل «سکولار، تجددگرا» در مقابل بنیادگرایان است. در خصوص نگرش به ارزش های دموکراتیک این متغیر در سه بعد عاطفی (ارزیابی)، شناختی و رفتاری مورد بررسی قرار گرفت. ارائه‌ی شناخت کافی به همراه رشد احساسات و تمایلات عاطفی در تحریک و آمادگی عمل افراد در کنش دموکراتیک می افزاید. گرچه در بعضی موارد احساسات و تمایلات عاطفی قبل از شناخت ارزش های دموکراتیک زمینه ای برای جامعه پذیری بهتر این نوع ارزش ها محسوب می گردد. نتایج حاصله بیان کننده‌ی این است که اگرچه در دو بعد عاطفی (ارزیابی) و رفتاری اکثر پاسخ ها در سطح متوسط و بالا متمرکز است ولی در بعد شناختی این روند معکوس می شود و اکثر پاسخ ها در سطح پایین و متوسط متمرکز می شود. در مجموع آن چه از بررسی نگرش دانشجویان نسبت به ارزش های دموکراتیک به دست می آید، نوعی «گسست نگرشی نسبت به ارزش های دموکراتیک» است به این معنا که ابعاد سه گانه نگرش با یک دیگر متناظر نیستند. این عدم تناظر به واسطه‌ی شناخت کم دانشجویان از این ارزش ها حاصل می شود و قابل بررسی و آسیب شناسی است.

به طور کلی در خصوص رابطه‌ی دینداری و نگرش به ارزش های دموکراتیک باید گفت که این رابطه بسته به قرائت مورد نظر از یکی از این مقوله ها و یا هر دو متفاوت است. چنان که تفسیرهای باز و منعطف از دین اسلام یعنی تفاسیری که هر چه بیشتر دستورات دینی را با عقل منطبق می کنند سازگاری بیشتری با ارزش های دموکراتیک خواهند داشت؛ در حالی که برداشت های سنتی و غیر قابل انعطاف از اسلام با بسیاری از پدیده های مدرن از جمله ارزش های دموکراتیک ناسازگارند. در واقع دین متنی است که توسط پیروان به صورت های متفاوتی تفسیر می شود و معنا پیدا می کند. در نتیجه در هر سنت دینی تفسیرها و نظام های معنایی مختلفی شکل می گیرد. در سنت دینی اسلام هم امکان ارائه‌ی تفسیرهای

انعطاف پذیر و هم زمینه هایی برای اشاعه ی تفسیرهای نامنعطف وجود دارد. در این جا بدون این که قصد وارد شدن به منازعات درون دینی و کلامی درباره ی حقانیت این یا آن قرائت را داشته باشیم این نکته را عنوان می کنیم که ضرورت جامعه ی جدید، زندگی بر اساس ارزش های دموکراتیک است، کما این که امروزه دموکراسی به شکل یک ایده نولوژی جهانی نمایان شده است و به عبارت دیگر داشتن روش و منش دموکراتیک و اتخاذ روش های مبتنی بر ارزش های دموکراتیک یک ضرورت کارکردی در دوران جدید است. در نتیجه تأکید بر تفاسیر انعطاف پذیر از دین با ضرورت های کارکردی جامعه ی جدید سازگارتر به نظر می رسد. چیزی که هابرماس نیز به صورت تجویزی آن را بیان می کند تحول فکری در فهم دین از سوی دینداران برای تطابق با ارزش های دموکراتیک در جامعه ی مدرن، ارزش هایی هم چون تساهل و مدارا، حقوق بشر، دموکراسی و ... می باشد.

پی نوشت:

۱- بایده این نکته توجه داشت که ارزش های دموکراتیک با دموکراسی متفاوت است. ارزش های دموکراتیک جزء مبانی نظام های دموکراتیک است و بسته به این که یک نظام دموکراتیک چه ارزش هایی را هدف و مبنای خود قرار می دهد، دموکراسی های متفاوت و انواع دموکراسی پدید خواهد آمد.

۲- هابرماس، اندیشه پساتافیزیک را به عنوان نقاد متافیزیک عقل خودبنیاد طبیعت گرا این گونه معرفی می کند: «این اندیشه از ادعای هستی شناسانه درباره ی ساختار تمامیت موجودات خودداری می کند و با علم زدگی عقل که بر محور علوم تجربی است مخالف است. این دیدگاه خط روشنی را میان ایمان و معرفت ترسیم می کند؛ اما درعین حال با برداشت محدود و علمی از عقل مخالف است و با خارج ساختن نظریه های دینی از قلمرو تبارشناسی عقل نیز مخالفت می کند» (هابرماس، ۱۳۸۵: ۱۴).

۳- بیان دیدگاه های فوق توسط هابرماس در کشور ایران اسلامی و در دانشگاه تهران مبین این نکته است که وی نظر خود را در خصوص تعامل دین و ارزش های دموکراتیک، خاص جوامع غربی نمی داند و به نظر او این تعامل می تواند ناظر به جوامع اسلامی که جوامعی پیشاسکولار به شمار می روند، نیز باشد .

منابع و مأخذ

1-Ansari, Mansour (2005) *Dialogical Democracy*, Tehran: Markaz Publishing Center (In Persian).

- 2-Barbie, Moris (2004) *Political Modernity*, Translated by Abdolvahab Ahmadi, Agah Press (In Persian).
- 3-Bashirie, Hossein (1995) *Rational State, Ten Essays on Philosophy and Sociology*, Tehran: Institute of Promotion of Modern Science (In Persian).
- 4-Bashirie, Hossein (1995) *Teaching of Political Knowledge*, Negahe Moaser Publishing (In Persian).
- 5-Bitam, David (2004) *Democracy and Human Rights*, Translated by M.T.Delforozi, Tarhe Noo Press (In Persian).
- 6-Canetti, Nisim(2004)«The Effect of Religiosity on Endorsment of democratic values: The Mediating influence of Authoritarianism» *Political behavior*, Vol. 26, No:4.
- 7-Cunningham, Frank (2005)«*The Conflicting Truths of Religion and democracy Social Philosophy Today*», Volume 36, No. 2, 129-142.
- 8-De Vas, D.I. (1997) *Survey in Social Research*, Translated by Rafatjah and Kazemi, Tehran: Research Center and Public Opinion Polling (In Persian).
- 9- DuTukville, Alexis (1968) *Analysis of Democracy In America*, Translated by Rahmatollah Moghadam Maraghei, Scientific and Cultural Publishing (In Persian).
- 10-Freedman, J.L et al.(1970) *Social Psychology*, Englewood Cliffs, N.J: Prentice- Hall.
- 11-Habermas, Yourgen (2006) *Religion in Public Sphere*, Iran Outlook (In Persian).
- 12-Hamilton, Malkom (1998) *Sociology of Religion*, Translated by Mohsen Solasi, Tehran: Tebyan Press (In Persian).
- 13-Huntington, Samuel (2002) *Third Wave of Democracy at the late 20th Century*, Translated by Ahmad Shahsa, Tehran: Rozane Press (In Persian).
- 14-Karimi, Yousef (1998) *Social Psychology*, Tehran, Arasbaran Press (In Persian).
- 15-Lewis ,Bernard(1996) «Islam and Liberal Democracy», *Journal of Democracy, A Historical Review*, No,7.
- 16-Mohseni, Manochehr (2000) *Study of Knowledge, Attitudes and Socio-cultural behaviors*, Tehran: Public Culture Council. (In Persian).
- 17-Mirsondosi, S.M. (2004) *Rate and Types of Religiosity among University Students*, PHD Dissertation in Sociology, Tehran: Tarbiyat

Modares University (In Persian).

18-Mojtahed Shabestari, Mohammad (2000) *What is Religious Democracy*, Aftab Monthly, Vol. 1, No. 7 (In Persian).

19-Mostafapour, H. (2006) *About Religious Democracy*, Vol. 3m, Oroj Press (In Persian).

20-Movahed, Majid and Mohammad Delbari (2004) Tradition Religiosity and Attitudr toward Democracy Among Shiraz University Students, *Journal of Social Sciences* , Ferdosi University of Mashhad, Vol. 3, pp: 117-143 (In Persian).

21-Qasem , Islam (2006) Religiosity and support for democracy. A Comparative study between the Christian west and, Muslim world. [www. UPF.de/dcpis/activitas/forum](http://www.UPF.de/dcpis/activitas/forum).

22-RohrSchneider, Rober (2006) *Institutional support and Democratic values: Developing Indicators for a Global Democracy Index*. www.sciencedirect.com.

23-Saroukhani, Bagher (1991) *Encyclopedia of Social Sciences*, Tehran, Kihan Publishing (In Persian).

24-Shepard, William,(2004) *The Diversity Thought: Towards a typology in Islamic Though in the Twentieth century*, edited by Suha Taji- Faruki and Basheer M.Nak, I.B.Towris.

25-Shepard, William (1987)« Islam and Ideology: Towards a Typology International», *Journal of Middle East Studies*, Vol. 19.

26-Spozito, John and James Piscatori (1998) *Islam and Democracy*, In Iran, Islam and Modernity, translated by Morteza Asadi, Tarhe Noo Press (In Persian).

27-Stephan, Alfred (2001) *Religion, Democracy and Mutual Tolerance*, Translated by Ali Mahmoudi, Naghd book, No. 20,2 (In Persian).

28-Tessler, mark (2002) «Islam and Democracy In The Middle East: The Impact of religious orientations on Attitudes Toward Democracy in Four ARAB. Countries», *Comparative Politics*, No, 34 April 2002: 337-354.

29-Turner, J. and L. Bagley (1991) *The Rise of Sociological Theory*, Translated by A.Iahsaeizadeh, Shiraz, Shiraz University Publishing (In Persian).